

Attitude of childless married women towards childbearing in Zanjan, Iran

Fereshteh Naderipour¹, Jamileh Abolghasemi², Tahereh Dehdari^{3*}, Roghayeh Nouri¹

1. Department of Health Education and Health Promotion, School of Public Health, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran
2. Department of Biostatistics, School of Public Health, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran
3. Health Promotion Research Center, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Received: 4 October 2023

Accepted for publication: 20 April 2023

[EPub a head of print-17 May 2023]

Payesh: 2023; 22(3): 335- 343

Abstract

Objective(s): The fertility rate has decreased in Iran. This study was conducted to assess the attitude of childless married women towards childbearing.

Methods: This was a cross-sectional study. A sample of childless married women referred to the comprehensive urban health service centers of Zanjan, Iran were selected by cluster sampling method. Attitude of the participants towards childbearing was evaluated by an instrument. Finally, the data were entered into SPSS software (Version 26) and analyzed by one-way ANOVA and Pearson correlation coefficient.

Results: In all 220 women were studied. The findings showed that %61.4 of the participants had positive attitude at a good level, 36.4% had positive attitude at a moderate level and 2.3% had positive attitude at a low level. The mean score of attitude towards childbearing was 70.46 (SD=14.87). The findings showed that there were no statistically significant differences between the mean attitude score towards childbearing and age ($p=0.788$), housing status ($p=0.505$) and income ($p=0.210$). However, there were significant differences between the mean attitude score towards childbearing and educational level of the women ($p<0.001$) and also employment status of women ($p<0.001$) and their husbands ($p=0.024$).

Conclusions: The findings suggest that people with higher educational and employment status are less positive towards childbearing. Conducting educational and motivational programs for such couples seems essential.

Key words: Married women, childbearing, attitude

* Corresponding author: Health Promotion Research Center, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran
E-mail: dehdari.t@iums.ac.ir

بررسی نگرش زنان متاهل بدون فرزند مراجعه کننده به مراکز خدمات جامع سلامت شهری زنجان نسبت به فرزند آوری

فرشته نادری پور^۱، جمیله ابوالقاسمی^۲، طاهره دهداری^{۳*}، رقیه نوری^۱

۱. گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران
۲. گروه زیستی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران
۳. مرکز تحقیقات ارتقای سلامت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱/۳۰

انشر الکترونیک پیش از انتشار- ۱۸ اردیبهشت ۱۴۰۲

نشریه پایش: ۳۴۳-۳۳۵ (۳): ۲۲-۱۴۰۲

چکیده

مقدمه: مطالعات نشان می‌دهد که میزان فرزندآوری در ایران کاهش یافته است. مطالعه حاضر با هدف تعیین نگرش زنان متاهل بدون فرزند مراجعه کننده به مراکز خدمات جامع سلامت شهری زنجان نسبت به فرزندآوری در سال ۱۳۹۹ انجام شد.

روش کار: مطالعه حاضر از نوع مقطعی بود. در این مطالعه، ۲۲۰ نفر از زنان متاهل بدون فرزند مراجعه کننده به مراکز خدمات جامع سلامت شهری زنجان، با روش نمونه گیری خوشه ای انتخاب شدند. برای جمع آوری داده ها، از پرسشنامه اطلاعات دموگرافیک و پرسشنامه بررسی نگرش نسبت به فرزندآوری استفاده شد. در نهایت، داده های جمع آوری شده وارد نرم افزار SPSS نسخه ۲۶ شد و توسط آزمون های آماری همبستگی پیرسون و تحلیل واریانس یک طرفه تحلیل گردیدند.

یافته‌ها: یافته های مطالعه نشان داد که ۶۱/۴ درصد از زنان مورد مطالعه دارای نگرش خوبی نسبت به فرزندآوری بودند. نگرش ۳۶/۴ درصد در سطح متوسط و نگرش ۲/۳ درصد، ضعیف بود. میانگین نمره نگرش به فرزندآوری ۷۰/۴۶ (۱۴/۸۷±) بود.

یافته ها نشان داد که بین متغیرهای سن ($P=۰/۷۸۸$)، وضعیت تملک مسکن ($P=۰/۵۰۵$) و وضعیت درآمد ($P=۰/۲۱۰$) با میانگین نمره نگرش به فرزندآوری، رابطه معناداری آماری وجود نداشت. همچنین، بین متغیرهای سطح تحصیلات ($P<۰/۰۰۱$) و وضعیت شغلی زنان ($P<۰/۰۰۱$) و همسران آنها ($P=۰/۰۲۴$) با میانگین نمره نگرش به فرزند آوری، ارتباط آماری معنی دار وجود داشت.

نتیجه گیری: لازم است در سطح جامعه، برنامه های آموزشی و انگیزشی برای زوجین با سطح سواد بالاتر و وضعیت های شغلی در رده های بالاتر، برگزار شود. این برنامه ها می تواند کمک کند تا دیدگاه آنها نسبت به فرزندآوری تغییر کند.

کلید واژه‌ها: زنان متاهل، فرزندآوری، نگرش

کد اخلاق: IR.IUMS.REC.1399.1015

* نویسنده پاسخگو: تهران، دانشگاه علوم پزشکی ایران، مرکز تحقیقات ارتقای سلامت
E-mail: dehdari.t@iums.ac.ir

مقدمه

باروری و گرایش به فرزندآوری از مقولات مهم در حوزه جمعیت‌شناسی است. بحث فرزندآوری در حوزه خصوصی و در سطح خرد صورت می‌گیرد و به لحاظ تاریخی، هرچه جلوتر آمده ایم، دایره این حوزه هم محدودتر شده است. به تعبیر دیگر، حق فرزندآوری در سرتاسر تاریخ، به فامیل و خانواده و این روزها به زوجین، به خصوص زنان، واگذار شده است. پیداست که در اتخاذ این تصمیمات و اجرایی کردن آنها، به طور متعارف نمی‌توان و نباید از زنان انتظار داشت که پیامدهای تصمیمات خود را برای جامعه، در سطح کلان، هم در نظر بگیرند. تصمیمات سطح خرد در زمینه فرزندآوری، از سوی دیگر، ممکن است هزینه‌ها و مخاطراتی در سطح کلان (برای جامعه) ایجاد کند. برای مثال، تصمیم زوجین یا زنان به داشتن به طور متوسط، کمتر از دو فرزند ممکن است، بازتولید جمعیت را به مخاطره اندازد و یا سبب تسریع در سالخوردگی جمعیت شده و از این طریق، هزینه‌های زیادی به جامعه تحمیل کند. بنابراین، همان‌طور که در سطح خرد، زوجین و زنان حق دارند تا در خصوص تعداد اولادشان تصمیم بگیرند، در سطح کلان هم جامعه حق دارد، در صورتی که انباشت تصمیمات در سطح خرد، مخاطرات جدی برای او ایجاد می‌نماید (برای مثال، بقای آن را به مخاطره اندازد یا کارکردهای اساسی آن را تهدید کند)، دخالت نموده و با اتخاذ سیاست‌های مناسب، روند امور را در مسیری که مطلوب جامعه است، هدایت کند [۱].

مطالعات انجام شده در ایران نشان داده‌اند که عوامل زیادی بر تمایل زوجین به فرزندآوری موثرند. کلانتری و همکاران، در یک مطالعه نشان دادند که گرایش مذهبی و مشارکت اجتماعی می‌تواند بر فرزندآوری موثر باشد [۲]. در مطالعه دیگری، عباسی شوازی و خواجه صالحی گزارش دادند که تحصیلات زنان و مشارکت اجتماعی آنان، دارای نقشی تعیین‌کننده در فرزندآوری آنان است [۳]. در مطالعات دیگری، متغیرهایی مانند درآمد، داشتن تعداد فرزند بیشتر و تعداد سال‌های ازدواج، بر فرزندآوری موثر شناخته شده‌اند [۴].

یکی از متغیرهای مهم موثر بر قصد افراد برای داشتن فرزند، نگرش می‌باشد [۵]. نگرش مجموعه‌ای از باورها و رفتارها نسبت به یک موضوع خاص یا یک واقعه می‌باشد که بر رفتار افراد تأثیرگذار می‌باشد. فردی که نگرش مثبت یا منفی به فرزندآوری داشته باشد، طبیعتاً این نگرش بر رفتار او تأثیرگذار خواهد بود [۶].

متأسفانه، شواهد نشان می‌دهد که برخی از زوجین ایرانی، دارای نگرش منفی به فرزندآوری هستند و این نگرش تحت تأثیر متغیرهایی مانند عوامل اقتصادی، پایگاه اقتصادی-اجتماعی، تعداد فرزند دختر، تعداد فرزند دلخواه، تمایل به پدر یا مادر شدن، فاصله سنی همسران، سن مناسب ازدواج و غیره قرار دارد [۷-۱۰]. در سال‌های اخیر، با توجه به روند کاهش رشد جمعیت در کشور، توجه به متغیر نگرش به فرزندآوری، اهمیت زیادی پیدا می‌کند و طراحی برنامه‌ها و راهبردهایی برای پرداختن به آن، می‌تواند به افزایش تمایل و قصد باروری در زنان منجر شود [۱۰، ۱۱].

در اکثر مطالعات انجام شده در ایران، به شناخت متغیرهای موثر بر نگرش به فرزندآوری از جمله عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، اعتقادی و عوامل جسمانی-هویتی پرداخته شده است [۹، ۱۰]. آمار دقیقی از میزان این نگرش در زنان تازه ازدواج کرده و بدون فرزند وجود ندارد. لذا، با توجه به نقش برجسته پدیده فرزندآوری در برنامه‌های توسعه هر کشور [۱۲] و اهمیت تأثیر نگرش بر قصد فرزندآوری زوجین [۸]، مطالعه حاضر با هدف تعیین نگرش زنان متأهل بدون فرزند مراجعه‌کننده به مراکز خدمات جامع سلامت شهری زنجان نسبت به فرزندآوری در سال ۱۳۹۹ انجام شد.

مواد و روش کار

در این مطالعه مقطعی، نمونه‌گیری به صورت خوشه‌ای انجام شد. با توجه به موقعیت جغرافیایی شهر زنجان، شهر به چهار منطقه شمال، جنوب، شرق و غرب تقسیم شد. به ترتیب، در هر منطقه تعداد ۵، ۲، ۵ و ۶ مرکز خدمات جامع سلامت وجود دارد. در ابتدا، با استفاده از روش انتخاب تصادفی ساده (قرعه‌کشی)، از هر منطقه یک مرکز خدمات جامع سلامت انتخاب شد. سپس با روش نمونه‌گیری در دسترس، از هر مرکز خدمات جامع سلامت انتخابی، ۵۵ زن متأهل بدون فرزند مراجعه‌کننده که برای شرکت در مطالعه رضایت داشتند، انتخاب و وارد مطالعه شدند. مجموعاً تعداد نمونه‌های مورد بررسی در ۴ مرکز ۲۲۰ نفر بود.

معیارهای ورود به مطالعه حاضر عبارت بودند از سن ۱۵ تا ۴۹ سال، تاهل، نداشتن فرزند و داشتن پرونده فعال در سامانه سیب. معیارهای خروج از مطالعه نیز شامل داشتن سابقه نازایی، ازدواج بار دوم و بیشتر و داشتن بیماری‌های محدودکننده قدرت تولید مثل (حداقل به مدت یک سال) بود.

در مطالعه حاضر، اطلاعات توسط پرسشنامه در ۲ بخش جمع‌آوری شد. بخش اول شامل پرسشنامه اطلاعات دموگرافیک (مانند

یافته‌ها

در مجموع، ۲۲۰ نفر مطالعه شدند. میانگین سن زنان شرکت کننده در مطالعه ۲۸/۵۸۵ (±۰/۷۴۲) بود. حداقل سن ۱۵ و حداکثر سن شرکت کنندگان، ۴۳ سال بود. سایر اطلاعات دموگرافیک نمونه های مورد مطالعه در جدول ۱ نشان داده شده است.

یافته های مطالعه حاضر نشان داد که میانگین نمره متغیر نگرش کل نسبت به فرزندآوری در نمونه های مورد بررسی ۷۰/۴۶ (±۱۴/۸۷۰) بود. در جدول ۲، میانگین نمره نگرش به فرزندآوری و ابعاد آن نشان داده شده است. نتایج نشان داد که ۱۳۵ نفر از زنان (۶۱/۴ درصد) دارای نگرش خوبی نسبت به فرزندآوری بودند. نگرش ۸۰ نفر (۳۶/۴ درصد) در سطح متوسط و نگرش ۵ نفر (۲/۳ درصد) در سطح ضعیف بود. در جدول ۳، درصد فراوانی پاسخ های زنان مورد مطالعه به تک تک سوالات نگرش نسبت به فرزندآوری آورده شده است.

نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان داد که بین میانگین نمره سن نمونه های مورد مطالعه و نگرش نسبت به فرزندآوری، رابطه معناداری آماری وجود نداشت ($r = -0/19$ ، $p = 0/778$). نتایج آزمون تحلیل واریانس یک طرفه نشان داد که تفاوت معنی داری بین میانگین نمره نگرش نسبت به فرزندآوری بر حسب سطوح مختلف شغل زنان مورد مطالعه، وجود داشت ($p < 0/001$). بین خانم های خانه دار و سایر رده های شغلی، تفاوت معنی داری از نظر میانگین نگرش نسبت به فرزندآوری وجود داشت ($p < 0/001$). به عبارتی، زنان خانه دار، نگرش بهتری به فرزندآوری داشتند. نتایج همین آزمون نشان داد که تفاوت معنی داری بین میانگین نگرش نسبت به فرزندآوری بر حسب سطوح مختلف شغل همسر وجود داشت ($p = 0/024$). همچنین، نتایج آزمون تحلیل واریانس یک طرفه نشان داد که تفاوت معنی داری بین میانگین نگرش به فرزندآوری بر حسب سطوح مختلف تحصیلات زنان مورد مطالعه ($p < 0/001$) و همسران آنها ($p < 0/001$) وجود داشت. در رده های بالای تحصیلی، نگرش مثبت به فرزندآوری کمتر بود. نتایج آزمون تحلیل واریانس یک طرفه نشان داد که تفاوت معنی داری بین میانگین نمره نگرش بر حسب وضعیت تملک مسکن ($p = 0/505$) و سطح درآمد خانوار ($p = 0/210$) افراد مورد مطالعه وجود نداشت (جدول ۱).

سن و سطح تحصیلات، تعداد زایمان، تحصیلات و شغل همسر) بود. بخش دوم شامل پرسشنامه سنجش نگرش شرکت کنندگان نسبت به فرزندآوری بود که در ایران، توسط کرد زنگنه و محمدیان طراحی و اعتباریابی شده است [۱۳]. این پرسشنامه، از ۲۰ سوال با طیف ۵ گزینه ای لیکرت (از ۱ تا ۵) تشکیل شده است. در این پرسشنامه، ۴ مولفه موکول کردن برای آینده (۵ سوال)، مانع در حال حاضر (۵ سوال)، مهم بودن برای آینده (۶ سوال) و هویت اجتماعی (۴ سوال) وجود دارد. در مطالعه حاضر، کسب نمره کمتر از ۳۳ به عنوان سطح نگرش ضعیف، کسب نمره بین ۳۴ تا ۶۷ به عنوان سطح نگرش متوسط و کسب نمره ۶۸ و بالاتر به عنوان سطح نگرش خوب به فرزندآوری در نظر گرفته شد.

روش اجرای کار بدین صورت بود که پژوهشگر در روزهای کاری به مراکز خدمات جامع سلامت منتخب، مراجعه و با زنان دارای شرایط ورود به مطالعه صحبت می کرد. در مورد اهداف پژوهش، اهمیت و ضرورت آن با آنها توضیح داده شد و به آنها اطمینان داده شد که اطلاعات پرسشنامه محرمانه خواهد ماند. پس از اخذ رضایت شفاهی و تکمیل فرم رضایت نامه کتبی آگاهانه، پرسشنامه ها برای تکمیل در اختیار افراد قرار گرفت. پژوهشگر ابتدا یک توضیح اجمالی درباره نحوه پاسخ دهی به سوالات مختلف به افراد مورد مطالعه داد و در صورتی که سوال یا ابهامی در ارتباط با سوالات در حین تکمیل پرسشنامه برای مشارکت کننده به وجود داشت، به آنها پاسخ داده می شد. پژوهشگر سوالات را برای کسانی که بی سواد بودند یا از سطح تحصیلات پایین تری برخوردار بودند، می خواند و در صورت نیاز، توضیحات لازم به آنها ارائه می شد. زمان مورد نیاز برای تکمیل هر پرسشنامه، به طور میانگین ۲۰ دقیقه بود. داده های جمع آوری شده در نهایت وارد نرم افزار SPSS نسخه ۲۶ شده و تحلیل گردیدند. در ابتدا، با استفاده از آزمون کلموگروف-اسمیرنف، نرمال بودن داده های کمی بررسی شد. در این مطالعه، از آزمون همبستگی پیرسون برای بررسی همبستگی بین میانگین نمره نگرش و متغیرهای دموگرافیک کمی (سن) استفاده شد. از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه برای بررسی وجود تفاوت معنی دار بین نمره نگرش بر حسب سطوح مختلف متغیرهای دموگرافیک کیفی چندحالتی استفاده شد. همچنین، سطح معنی داری کمتر از ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

جدول ۱: اطلاعات دموگرافیک زنان مورد مطالعه و ارتباط آنها با نمره نگرش نسبت به فرزندآوری

متغیر	فراوانی	درصد	F	p.value
شغل				
خانه دار	۱۲۶	۵۷/۳	۱۴/۶۱	<۰/۰۰۱*
کارمند	۵۴	۲۴/۵		
کارگر	۵	۲/۳		
آزاد	۲۷	۱۲/۳		
سایر	۸	۳/۶		
شغل همسر				
کارمند	۶۶	۳۰	۲/۸۶	<۰/۰۲۴*
کارگر	۳۱	۱۴/۱		
آزاد	۱۱۹	۵۴/۱		
سایر	۲	۰/۹		
بی کار	۲	۰/۹		
کارمند	۶۶	۳۰		
تحصیلات				
ابتدایی	۲۲	۱۰	۱۱/۷۴	<۰/۰۰۱*
راهنمایی	۲۵	۱۱/۴		
دبیرستان	۶۱	۲۷/۷		
دانشگاهی	۱۱۲	۵۰/۹		
تحصیلات همسر				
بی سواد	۳	۱/۴	۸/۹۰	<۰/۰۰۱*
ابتدایی	۲۵	۱۱/۴		
راهنمایی	۲۳	۱۰/۵		
دبیرستان	۵۶	۲۵/۵		
دانشگاهی	۱۱۳	۵۱/۴		
وضعیت تملک مسکن				
ملکی	۱۰۹	۴۹/۵	۰/۶۸۶	۰/۵۰۵
استیجاری	۹۶	۴۳/۶		
سایر	۱۵	۶/۸		
سطح درآمد خانوار				
کمتر از حدکفاف	۳۶	۱۶/۴	۱/۵۷	۰/۲۱۰
در حدکفاف	۱۷۱	۷۷/۷		
بیشتر از حدکفاف	۱۳	۵/۹		

* معنی دار $p < 0.05$

جدول ۲: میانگین و انحراف معیار نگرش نسبت به فرزندآوری و ابعاد آن در نمونه‌های مورد بررسی

متغیر	کمترین	بیشترین	میانگین	انحراف معیار
موکول کردن برای آینده	۵	۲۵	۱۸/۹۱	۴/۲۶
مانع در حال حاضر	۵	۲۵	۱۸/۰۳	۳/۵۹
مهم بودن برای آینده	۶	۳۰	۱۹/۴۲	۶/۴۰
هویت اجتماعی	۴	۲۰	۱۴/۰۹	۳/۲۴
نگرش کل	۲۱	۱۰۰	۷۰/۴۶	۱۴/۸۷

جدول ۳: درصد فراوانی پاسخ های زنان مورد مطالعه به سوالات نگرش نسبت به فرزندآوری

سوالات	کاملاً مخالفم	مخالفم	نظری ندارم	موافقم	کاملاً موافقم
مهم بودن برای آینده					
چشم به راه روزی هستم که مادر شوم	۴/۵	۵/۵	۱۸/۲	۴۰/۵	۳۱/۴
داشتن فرزند، بخش ضروری از زندگی به شمار می رود	۳/۶	۸/۶	۱۲/۳	۴۸/۲	۲۷/۳
زندگی بدون فرزند را حتی نمی توانم تصور کنم	۶/۸	۹/۱	۲۲/۷	۳۶/۸	۲۴/۵
می توانم حامله بودن و زایمان کردن را تصور کنم	۱/۸	۷/۳	۲۰/۹	۵۱/۴	۱۸/۶
داشتن فرزند راهی برای افزودن مولفه های جدید در زندگی است	۵/۰	۷/۷	۱۶/۸	۴۸/۲	۲۲/۲
من با دوستانم در مورد داشتن بچه در آینده صحبت می کنم	۴/۵	۵/۹	۱۰/۹	۵۲/۳	۲۶/۴
هویت اجتماعی					
برایم مهم است که بتوانم باردار شوم	۲/۷	۳/۶	۱۴/۵	۴۱/۴	۳۷/۷
برایم مهم است که هر وقت بخواهم، بتوانم حامله شوم	۲/۷	۴/۵	۱۷/۳	۴۸/۶	۲۶/۸
داشتن قابلیت باروری برای هویت من، به عنوان یک زن مهم است	۱۰/۰	۷/۳	۱۲/۷	۴۴/۱	۲۵/۹
مادر شدن برای هویت من، به عنوان یک زن خیلی مهم است	۱۰/۵	۷/۳	۱۵/۰	۳۵/۹	۳۱/۴
مانعی در حال حاضر					
داشتن فرزند، فعالیت های اوقات فراغت مرا با محدودیت مواجه می کند	۱۰/۰	۲۴/۵	۱۸/۲	۳۲/۳	۱۵/۰
فرزند، فعالیت های تحصیلی مرا با محدودیت مواجه می کند	۱۰/۰	۲۰/۵	۱۸/۶	۳۲/۳	۱۸/۶
مادر بودن، وقت زیادی از من می گیرد	۱۲/۷	۳۳/۶	۱۲/۷	۲۶/۴	۱۴/۵
داشتن فرزند، شغل من را با محدودیت مواجه می کند	۱۱/۸	۲۱/۸	۱۷/۳	۳۲/۳	۱۶/۸
داشتن فرزند، ارتباط و مراوده من با دوستانم را محدود می کند	۷/۷	۲۰	۱۶/۴	۳۵/۵	۲۰/۵
موکول کردن به آینده					
داشتن فرزند، زندگی من را با محدودیت مواجه خواهد کرد	۸/۶	۲۵	۱۹/۱	۳۴/۱	۱۳/۲
یک حاملگی ناخواسته، زندگی کنونی مرا دچار اختلال می کند	۱۷/۳	۲۴/۵	۱۸/۲	۲۵/۵	۱۴/۵
فرزندآوری، با زندگی کنونی من هم آهنگ نیست	۱۱/۴	۱۸/۶	۱۱/۴	۴۰/۵	۱۸/۲
پذیرفتن مسئولیت در قبال فرزند، با زندگی کنونی من تناسبی ندارد	۱۱/۴	۱۴/۱	۱۹/۱	۳۶/۸	۱۸/۶
من در شرایط فعلی، نمی خواهم عهده دار مسئولیت فرزند شوم	۱۲/۳	۱۷/۷	۱۲/۳	۳۸/۲	۱۹/۵

بحث و نتیجه گیری

مطالعه حاضر با هدف تعیین نگرش زنان متاهل بدون فرزند مراجعه کننده به مراکز خدمات جامع سلامت شهری زنجان نسبت به فرزندآوری در سال ۱۳۹۹ انجام شد. نتایج نشان داد که اکثریت زنان مورد مطالعه، دارای نگرش مثبت خوبی نسبت به فرزندآوری بودند. طاووسی و همکاران در یک مطالعه گزارش دادند که ۳۰/۸ درصد از افراد ازدواج کرده، تمایل به داشتن فرزند داشتند [۷]. در مطالعه سفیری و همکاران در ایلام نشان داده شد که ۵۱/۴ درصد افراد، با وجود بچه در زندگی زناشویی، احساس خوشبختی می کردند و ۴۰/۵ درصد از آنها، بچه را مانعی بر سر راه تحقق اهداف اجتماعی خود می دانستند [۶]. بر اساس یافته های مطالعه حاضر، نگرش اکثریت زنان به فرزندآوری، در سطح خوبی قرار داشت. با توجه به کاهش رشد جمعیت کشور، باید بررسی گردد که چرا با وجود نگرش مثبت، میزان فرزندآوری در حال کاهش است. به عبارتی، یک خلا و شکاف اساسی بین نگرش به فرزندآوری و رفتار

فرزندآوری افراد متاهل وجود دارد. لازم است در قالب مطالعات کشوری، این شکاف و چالش های موجود بررسی شده و برای حل آنان، برنامه ریزی های لازم انجام شود.

نتایج مطالعه حاضر نشان داد که متغیر سن با میانگین نمره نگرش به فرزندآوری، رابطه معناداری آماری نداشت. این یافته با نتایج مطالعه شیری و بیداریان [۱۵] همخوانی داشت. برخلاف یافته های مطالعه حاضر، یافته های مطالعه میرزایی و همکاران نشان داد که تمایل به فرزندآوری در سنین بالای ۴۰ سال افزایش می یابد، به طوری که هر چه سن افراد بیشتر شود، تمایل به فرزندآوری در آنها نیز بیشتر می شود. در مقابل، هر اندازه سن پاسخگویان کمتر باشد، تمایل به فرزندآوری در آنها کمتر می شود [۷]. نتایج مطالعه آفرینی و همکاران نیز نشان داده که با افزایش هر سال سن زنان، افزایش قابل توجهی در نسبت شانس قصد فرزندآوری ایجاد می شود [۱۷]. در حالی که یون در مطالعه خود به این نتیجه دست یافت که نسبت شانس قصد فرزندآوری، با افزایش سن

مختلف نشان می دهند که در زنان، با افزایش سطح سواد و مشارکت در اجتماع، سن ازدواج بالا رفته و تمایل به داشتن فرزند زیاد، کمتر می شود. همچنین، این زنان، با فاصله بیشتری از ازدواج، فرزند اول را متولد می کنند. لذا، بین سطح سواد و میزان باروری رابطه معنادار، اما معکوس وجود دارد. اکثر مطالعاتی که درباره زمان ازدواج و زمان تولد اولین فرزند در ایران انجام شده است، نشان می دهند که متغیر تحصیلات، یکی از مهم ترین تعیین کننده های زمان وقوع این پدیده ها هستند و دسترسی بیشتر زنان به تحصیلات، به عنوان یک عامل اساسی تأخیر در زمان تشکیل خانواده و نگرش به فرزندآوری محسوب می شود [۱۱] از سوی دیگر، سطح تحصیلات و مدت زمان بالای حضور زوجین، به ویژه زنان در دانشگاه ها و مراکز آموزشی، همراه با مشکلات انجام همزمان نقش دانشجویی و والدگری، تأثیر مستقیمی بر زمان فرزندآوری دارد. علاوه بر این، تحصیلات بیشتر منجر به یادگیری ایده ها و شیوه های جدید زندگی شده است. زوجین با دسترسی گسترده به انواعی از شبکه های اجتماعی و کانال های ارتباطی، در معرض ایده ها و الگوهای رفتارهای نوین قرار می گیرند که موجب افزایش استقلال آنها در تصمیم گیری درباره بعد خانواده خود می شود. در واقع، تحصیلات از طریق افزایش فرصت های شغلی و ایجاد چشم انداز مساعد برای دستیابی به ورود به بازار کار و در نتیجه فراهم شدن نقش های جایگزین برای زنان، نقش مهمی در نگرش و تمایل آنان به فرزندآوری ایفا می کند. لذا، با توجه به لزوم باسواد بودن دختران جامعه و نقش سواد زنان در سلامت خانواده و از طرفی تمایل کمتر زنان تحصیل کرده به داشتن فرزند، آموزش زنان در خلال دوران تحصیل (از همان مقاطع ابتدایی) در خصوص فرزندآوری ضرورت می یابد.

یکی دیگر از یافته های مطالعه حاضر آن بود که تفاوت معنی داری بین نمره نگرش به فرزندآوری بر حسب وضعیت شغلی زنان مورد مطالعه و همچنین همسران آنها، وجود داشت. زنان کارمند و زنان دارای همسر کارمند، نگرش ضعیف تری به فرزندآوری داشتند. نتایج پژوهش های انجام شده درباره موضوع اشتغال و نقش آن بر نگرش به فرزندآوری، متفاوت است. برخی از مطالعات مانند مطالعه صادقی و سرایی [۲۶]، پیلتن و رحمانیان [۲۷] و کشاورز و همکاران [۲۰] نشان داده اند که وضعیت اشتغال زوجین، در نگرش آنان به داشتن تعداد دلخواه فرزند و زمان فرزندآوری، تفاوت معنی دار ایجاد نمی کند. در تحقیقی متفاوت، حاجی زاده بنده قرا و همکاران

کاهش می یابد [۱۸]. انجام مطالعات ملی با حجم نمونه بزرگ و از همه مناطق کشور می تواند با قاطعیت بیشتری به ارتباط بین سن و نگرش به فرزندآوری بپردازد. در مورد رابطه بین نگرش و متغیرهای وضعیت درآمد خانوار و نوع تملک مسکن، یافته های مطالعه حاضر هسو با یافته های مطالعه موسوی و همکاران در قزوین [۱۹]، کشاورز و همکاران در اصفهان [۲۰]، علی دوستی و همکاران در کرمانشاه [۲۱] بود که نشان دادند بین فرزندآوری و سطح درآمد، رابطه معنی دار وجود ندارد. متناقض با نتایج مطالعه حاضر، مطالعه رضوی زاده و همکاران در مشهد نشان داد که به طور کلی، مسایل اقتصادی و رفاهی موجب کم فرزندگی و تأخیر در فرزندآوری می شود [۲۲]. در مطالعه مطلق و همکاران، میزان عدم تمایل به فرزندآوری در زنان دارای منزل ملکی، حدود دو برابر زنان دارای منزل غیرملکی بوده و مشکلات اقتصادی، ۲۴/۴ درصد از دلایل اصلی عدم تمایل به فرزندآوری را شامل شده است [۸]. با توجه به وجود شواهد متناقض در خصوص رابطه بین وضعیت اجتماعی- اقتصادی و نوع مالکیت مسکن بر تمایل به داشتن فرزند، به نظر می رسد متغیرهای دیگری مانند فرهنگ و محیط نقش میانجی گری را در این خصوص بازی کنند. در این راستا، حسینی و بگی در مطالعه ای، به بررسی رابطه بین فرهنگ و فرزندآوری در بین زنان کرد شهر مهاباد پرداختند. نتایج مطالعه آنان نشان داد که ترکیبی از ویژگی های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی می تواند تبیین بهتری از تمایلات فرزندآوری در بین زنان کرد را نشان دهد [۷]. صادقی و همکاران نیز در یک مطالعه گزارش کردند که با افزایش عواملی مانند برابری جنسیتی و فردگرایی، تعداد ایده آل و دلخواه فرزند برای هر خانواده، به طور معناداری کاهش می یابد [۸]. نتایج مطالعه حاضر نشان داد که تفاوت معنی داری بین میانگین نمره نگرش آنان به فرزندآوری بر حسب سبب سطوح تحصیلات زنان مورد مطالعه و همچنین همسران آنها، وجود داشت. در زنان با سطح تحصیلات بیشتر، گرایش به فرزندآوری، کمتر از دیگر زنان بود. در مطالعه موسوی و همکاران [۱۹] و کشاورز و همکاران [۲۰] برخلاف مطالعه حاضر، رابطه معنی داری بین سطوح مختلف تحصیلات خانم ها با نگرش به فرزندآوری وجود نداشت. به این معنی که افراد مورد پژوهش صرف نظر از سطح تحصیلات، نسبت به فرزندآوری، دارای نگرش منفی بودند. نتیجه مطالعه حاضر در ارتباط با سطح تحصیلات زنان و گرایش به فرزندآوری با نتایج برخی از مطالعات انجام شده، همسو بود [۲۵-۲۳، ۱۶]. مطالعات

آموزش زوجین با سطح تحصیلات بیشتر و زوجین کارمند، در جهت ارتقاء نگرش به فرزندآوری انجام شود. ضرورت دارد از طریق آموزش های عمومی، معایب تک فرزندی و کاهش رشد جمعیت از منظر زندگی خانوادگی و اجتماعی برای افراد جامعه تبیین شود. ذکر این نکته ضرورت دارد که نگرش افراد به فرزندآوری، لزوماً اجتماعی و بر اساس تفاوت های تحصیلی، شغلی، جنسیت و دیگر متغیرهای جمعیت شناختی نیست؛ بلکه می تواند متأثر از باورها، ارزش ها، هنجارها، عواطف، احساسات و رفتارهای افراد در مورد فرزندآوری و به صورت کلی سبک زندگی آنان باشد. لازم است این عوامل مورد بررسی دقیق و موشکافانه قرار گیرند.

سهم نویسندگان

فرشته نادری پور: جمع آوری داده ها، تحلیل داده ها و نگارش
طاهره دهداری: ارائه ایده، تحلیل داده ها و نگارش مقاله
جمیله ابوالقاسمی: تحلیل داده ها و نگارش مقاله
رقیه نوری: تحلیل داده ها و نگارش مقاله

تشکر و قدردانی

این مطالعه حاصل پایان نامه دوره کارشناسی ارشد رشته آموزش جامعه نگر در نظام سلامت است که توسط دانشگاه علوم پزشکی ایران تصویب شده است. از همکاری مسئولین دانشگاه علوم پزشکی زنجان و مرکز بهداشت شهرستان زنجان و همچنین زنان شرکت کننده، جهت جمع آوری داده های این مطالعه قدردانی می شود.

منابع

1. Saraei H. Population reproduction of Iran: current status and some policy considerations. *Social Sciences* 2015;22:1-35 [Persian]
2. Kalantari S, Abbaszadeh M, Amin Mozafari F, Rakeei Bonab N. The sociological study of attitude to child bearing and it's some related factors (case study: married youth in Tabriz city). *Applied Sociology* 2010; 21:83-104 [Persian]
3. Abbasi Shavazi MJ, Khajehsalehi Z. An assessment on the impact of women's autonomy, education and social participation on childbearing intention in Sirjan city. *Woman in Development and Politics (Women's Research)* 2013;11:45-64 [Persian]
4. Tavousi M, Motlagh ME, Eslami M, Haerimehrizi A, Hashemi A, Montazeri A. Fertility desire and its correlates: a pilot study among married citizens living in Tehran, Iran. *PAYESH* 2015;14:597-605 [Persian]

نشان دادند که تمایل به فرزندآوری در زنان شاغل، ۲ برابر زنان خانه دار بود. ضمناً زنان خانه دار، تمایل بیشتری برای تولد فرزند پسر داشتند [۲۸]. از طرفی، نتایج برخی مطالعات دیگر مانند مطالعه بوهلر [۲۹] و حسینی و بیگی [۳۰]، همسو و همخوان با مطالعه حاضر و بیانگر اثر معنادار اشتغال بر کاهش باروری است. در حقیقت، زنان شاغل، با چالش های برون شغلی و درون شغلی متعددی مواجه می شوند که نگرش آنها را به سمت داشتن فرزند کمتر سوق می دهد [۱۰]. طراحی و اجرای سیاست های تشویقی برای زنان شاغل مانند مرخصی های ساعتی در محل کار و راه اندازی مهد کودک های استاندارد و با کیفیت در محل کار می تواند در تشویق زنان متأهل به فرزندآوری کمک کند. محدودیت مطالعه: از محدودیت های مطالعه حاضر بررسی زنان مراجعه کننده به مراکز خدمات جامع سلامت شهری زنجان نسبت به فرزندآوری است. لازم است مطالعات مشابه در سایر نقاط کشور انجام شود. همچنین، ضرورت بررسی نگرش مردان متأهل در اول ازدواج، نسبت به فرزندآوری سنجیده شود. نتایج مطالعه حاضر نشان داد که اکثریت زنان مورد مطالعه (۶۱/۴ درصد) دارای نگرش خوبی به فرزندآوری بودند. آنچه در این پژوهش حائز اهمیت می باشد آن است که نگرش زنان به فرزندآوری مطلوب است، اما در عمل، وجود موانع مختلف (مانند وضعیت شغلی و سطح تحصیلات) می تواند مداخله گر بوده و گرایش به فرزندآوری را تحت تاثیر قرار دهد. لازم است در این زمینه، برنامه ریزی های گسترده برای آگاه سازی و

5. Baezzat F, Ahmadi Ghazlojog A, Marzbani Y, Karimi A, Azarnioshan B. A study of psychometric properties of Persian version of attitudes toward fertility and childbearing scale. *Urmia Nursing and Midwifery Faculty* 2017;15:37- 47 [Persian]
6. Oloumi MT. A Contrastive Study of the Attitudes of Delinquent Teenagers and Those of Normal Ones. *Kavoshnameh in Persian Language and Literature* 2003;3:155-78 [Persian]
7. Hosseini H, Begi, B. Culture and childbearing: investigation of fertility tendencies of Kurdish women in Mahabad city. *Strategic studies of women* 2013;15:121-61 [Persian]
8. Sadeghi T. Investigating the influence of cultural factors on the preferences of young people to have children in Tehran. *Population studies* 2017;6:63-89 [Persian]

9. Mousavi F. Investigating the position and attitude towards childbearing in families. *Woman and Family Studies* 2013; 1:111-134 [Persian]
10. Moradi A, Saffarian M. Sociological study of people's attitudes toward childbearing in Hamadan province. *Population Magazine* 2019;25:59-90 [Persian]
11. Bandehelahi K, Khoshravesh S, Barati M, Tapak L. Psychological and sociodemographic predictors of fertility intention among childbearing-aged women in Hamadan, west of Iran: an application of the BASNEF model. *Family Medicine* 2019;40:182-187
12. Karimi A. A survey and analysis of young people's attitudes toward marriage and childbearing. *Strategic Studies on Youth and Sports* 2021;20:275-292 [Persian]
13. Kord Zanganeh J, Mohamadian H. Psychometric assessment of the validity of the Iranian version of attitude toward fertility and childbearing inventory in women without a history of pregnancy in the south of Iran. *School of Public Health and Institute of Public Health Research* 2019;17:83-94 [Persian]
14. Safiri KH, Kamali A, Faraji E. Sociological Investigation of Positive Attitude to Child (Ilam City Women). *Women's Strategic Studies (former Women's Book)* 2017;19:85-109 [Persian]
15. Shiri T, Bidarian S. A study of effective factors in tendency to fewer childbearing of 15-49 year old women residents of Tehran. *Social Sciences* 2009; 3:93-107 [Persian]
16. Mirzaei A, Sharifi M. Components affecting the tendency to childbearing women working in Tehran: solidarity and policy requirements. *Population Quarterly* 2021;27:263-82 [Persian]
17. Afarini FS, Akbari N, Montazeri A. The relationship between social support and the intention of childbearing in women of reproductive age. *PAYESH* 2018;17:315-328 [Persian]
18. Yoon SY. The influence of a supportive environment for families on women's fertility intentions and behavior in South Korea. *Demographic Research* 2017;36:227-245
19. Mousavi SF, Ghafelebashi M. Investigating the position and attitude of parenting in families. *Women and Family Studies* 2013;1:111-34 [Persian]
20. Keshavarz H, Haghghatian M, Tavasoli Dinani K. a study on the factors influencing the space between marriage and having children (case study: married women of 20-49 in Isfahan). *Applied Sociology* 2013; 24:111-125 [Persian]
21. Alidousti E, Adhami AR, Kazemipour SH. Socio-economic factors affecting attitudes towards childbearing: A study of ever married couples in Kermanshah, Iran. *PAYESH* 2021; 20:471-485 [Persian]
22. Razavizadeh N, Ghafarian E, Akhlaqi A. Grounds for low child seeking and delay in child bearing (case study: Mashhad women). *Strategy for Culture* 2016;8:73- 98 [Persian]
23. Motlagh ME, Taheri M, Eslami M, Nasrollahpour SSD. Factors affecting the fertility preferences in Iranian ethnic groups. *Nursing and Midwifery* 2016;14:485-495 [Persian]
24. Kalantari S, Beg Mohammadi H, Zare Shahabadi A. A study on demographic factors affecting fertility in Yazd, Iran, 2004. *Woman in Development and Politics* 2005; 3:137-156 [Persian]
25. Abbasi-Shavazi MJ, Alimandegarie M. The effects of various dimensions of women's autonomy on fertility behavior in Iran. *Women in Development and Politics* 2010; 1:31-51 [Persian]
26. Sadeghi HS, Saraie H. Effective factors on mother's inclination to have children in Tehran. *Social Development and Welfare Planing* 2016; 7:1-32 [Persian]
27. Piltan F, Rahmanian M. Investigating factors affecting the tendency toward childbearing among married men and women (case of study: men and women aged 25 to 45 years old in Jahrom). *Iranian Social Development Studies (JISDS)* 2015;7:121-134 [Persian]
28. Hajizadeh Bandeh Ghara F, Jan Nesari Sh, Azgoli G, Nasiri M. positive effect of women's empowerment on childbearing: more children in working women. *Obstetrics, Gynecology and Infertility* 2016; 19:51-61 [Persian]
29. Bühler C. On the structural value of children and its implication on intended fertility in Bulgaria. *Demographic Research* 2008;18:569-610
30. Hosseini H, Bagi B. Economic, social, cultural and cognitive determinants of women's child women's desires referred to Hamadan Health and Treatment Centers (2012). *Journal of Kermanshah University of Medical Sciences* 2021; 18:35-43 [Persian]